



مطالعات قرآنی از کثرت گری روش شناختی برخوردارند

گفت و گو با دکتر ابراهیم فتح الهی
نویسنده «متدولوژی علوم قرآنی»



رضانعلی ابراهیمزاده گرجی

اشاره

هدف اصلی از نگارش کتاب «متدولوژی علوم قرآنی»، ارائه تعریفی جامع و مانع برای علوم قرآنی و سپس طراحی یک نظام رده‌بندی علمی برای این علوم بوده است. ارائه الگویی برای روش‌شناسی مطالعات مربوط به علوم قرآنی، هدف دیگر از تألیف این کتاب محسوب می‌شود. علوم قرآنی را می‌توان در چهار سطح به ترتیب زیر رده‌بندی کرد:

۱. علوم‌ی که مستقیماً با حوزه فهم و تفسیر قرآن مربوط می‌شوند.
۲. علوم‌ی که با حوزه ضبط و نقد متن قرآن ارتباط می‌یابند.
۳. علوم‌ی که به اوصاف و حالات و رده‌بندی قرآن می‌پردازند.
۴. مباحثی که ناظر به شناخت ماهیت قرآن هستند.

دکتر ابراهیم فتح‌الهی که عضو هیئت علمی «دانشگاه پیام نور» است، دانش‌آموخته دکترای الهیات از «دانشگاه امام صادق (ع)» است. وی دوره‌های قبل از دکترا را در دانشگاه تهران گذراند.

«تاریخ تفسیر»، «مدیریت اسلامی» و «متدولوژی» (روش تحقیق علمی)، آثار تألیفی او هستند. کتاب اخیر وی «متدولوژی علوم قرآنی» است. این کتاب در سال ۱۳۸۸ در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه از طرف دانشگاه امام صادق (ع) منتشر شد. در پاییز همین سال، آن را به عنوان کتاب برتر فصل معرفی کردند. «متدولوژی علوم قرآنی» که در مقدمه آن به پیشینه علوم قرآنی و به منابع قرآن و اقسام آن پرداخته شده، در سه بخش تدوین یافته است. دو بخش اول و دوم به ترتیب به «تعریف علوم قرآنی» و رده‌بندی علوم قرآنی می‌پردازند. بخش سوم نیز به «روش‌شناسی علوم قرآنی» اختصاص یافته است.

از مزایای این کتاب می‌توان به جامع بودن آن اشاره کرد. لذا علاقه‌مندان را از اطلاعات درباره منابع دیگر تا حدودی بی‌نیاز می‌کند. ضمن این که در هر فصل ذیل «نتیجه»، فشرده نظریات آمده است. در حقیقت این کتاب تا حدی به درس‌نامه نیز نزدیک شده است. در حالی که کتابی کاملاً تحقیقی به حساب می‌آید.

آوردن نظریات کسانی که در این زمینه از ابتدای رواج علوم قرآنی تاکنون کارهای اساسی کرده‌اند و نقد ضمنی آن‌ها، مزیت دیگر کتاب است. سرانجام در هر دو بخش علوم قرآنی و روش‌شناسی (متدولوژی) علوم قرآنی، نظریه مؤلف به صورت روشن آمده است. امتیاز مهم دیگر کتاب دکتر فتح‌الهی، آوردن فهرست منابع و مآخذ میسوط در پایان کتاب است. این فهرست، کتاب‌ها و مقاله‌های تألیفی به زبان فارسی، عربی و لاتین را شامل می‌شود.

برای آشنایی بیشتر با این کتاب، گفت‌وگویی با مؤلف

محترم آن انجام داده ایم که تقدیم خوانندگان عزیز مجله رشد قرآن می‌شود.

● ابتدا اشاره‌ای به تاریخ توجه به علوم قرآنی و تطور آن بفرمایید.

○ علوم قرآن به معنای عام کلمه، از زمان نزول قرآن آغاز شده است. برخی از صحابه و در رأس آن‌ها حضرت علی (ع)، شخصیت‌هایی بوده‌اند که علوم قرآن را در زمان نزول قرآن نقل کرده‌اند و با نقل روایت موجب انتقال این علوم به دوره‌های بعدی شده‌اند. چنان‌چه امام علی (ع) به ابوالاسود دثلی مأموریت داد که به‌منظور حفظ و پاسداری از زبان عربی قواعدی وضع کند. لذا امام علی (ع) را می‌توان بنیان‌گذار «علم اعراب القرآن» دانست.

در دوره صحابه و تابعین و اتباع تابعین علم تفسیر، علم اسباب النزول، علم مکی و مدنی، علم ناسخ و منسوخ و علم غریب القرآن شکل گرفته است.

در قرن اول هجری، تک‌نگاری در باب علوم قرآنی شکل گرفت. از جمله آن‌ها می‌توان کتاب «القرائه» یحیی بن یعمر، کتاب «القراءات» مقاتل بن سلیمان، کتاب «الآیات المتشابهات» حمزه بن حبیب و کتاب «مجاز القرآن» ابو عبیده را می‌توان نام برد.

از آغاز قرن سوم هجری نیز دوره تدوین علوم قرآنی آغاز می‌شود و کتاب‌هایی مثل «الرغیب» و «الحوای فی علوم القرآن» محمد بن خلف و «فنون الافنان فی عیون علوم القرآن» ابن جوزی شکل می‌گیرد. در ادامه تلاش‌ها می‌توان به تألیف کتاب «البرهان فی علوم القرآن» تألیف زرکشی در قرن هشتم اشاره کرد. سپس در قرن دهم، در ادامه تلاش‌های زرکشی، می‌توان به کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» سیوطی اشاره کرد.

در دوران معاصر نیز کتاب «مناهل العرفان فی علوم القرآن» زرقانی، «البیان فی تفسیر القرآن» آیت‌الله خوبی و «التمهید فی علوم القرآن» تألیف محمد هادی معرفت را می‌توان نام برد.

● به طور کلی کتاب‌های علوم قرآنی چه تقسیم‌بندی‌هایی دارند؟

○ کتاب‌های علوم قرآن را می‌توان به چهار گروه عمده تقسیم کرد:

○ اول کتبی که به یک موضوع خاص از علوم قرآن مربوط می‌شوند؛ مثل «عجاز القرآن»، تألیف راوندی.

○ دوم کتاب‌هایی که به صورت گزینشی به چند موضوع از علوم قرآن پرداخته‌اند؛ مثل کتاب «التمهید» آقای معرفت.

○ سوم کتاب‌هایی که نویسندگان آن‌ها سعی کرده‌اند، همه مباحث مربوط به علوم قرآنی را در یک مجموعه گردآوری

کنند؛ مثل «البرهان» زرکشی و «الاتقان» سیوطی.

○ چهارم کتاب‌هایی که علوم قرآن را در اثنای مباحث مربوط به اصول فقه یا حدیث یا مقدمه تفاسیر آورده‌اند؛ مثل «اصول کافی» کلینی، «قوانین الاصول» میرزای قمی، «مجمع‌البیان» امین‌الاسلام طبرسی و «الصادق فی تفسیر القرآن»، تألیف فیض کاشانی.

ع کتاب «متدولوژی قرآنی» با چه هدف و براساس چه نیازهایی تألیف شد؟

○ هدف اصلی از نگارش کتاب «متدولوژی علوم قرآنی»، ارائه تعریفی جامع و مانع برای علوم قرآنی و سپس طراحی یک نظام رده‌بندی علمی برای این علوم و درنهایت، ارائه الگویی برای روش‌شناسی مطالعات مربوط به علوم قرآن بوده است.

● روش کارتان را در تألیف این کتاب تشریح بفرمایید.

○ روش نگارش این کتاب مبتنی بر نوعی مطالعه مبادی‌شناسانه در علوم قرآن است. این نوع مطالعه را می‌توان به‌عنوان بخشی از مباحث مربوط به فلسفه علوم قرآنی تلقی کرد که با نگاهی معرفت‌شناسانه از نوع درجه دوم، به بازکاوی و بازنگری بیرونی علوم قرآنی می‌پردازد. در معرفت درجه دوم، از موضوع و متعلق علم فاصله می‌گیریم و

از منطری فراتر به آن نگاه می‌کنیم. بر این اساس، موضوع بررسی کتاب «متدولوژی علوم قرآنی»، خود علوم قرآنی و چیستی آن، سیر تاریخی علوم قرآنی، و رده‌بندی و روش‌شناسی هریک از این علوم است.

● ضرورت ارائه تعریف برای علوم قرآنی چیست؟ چرا به ارائه تعریف در علوم نیازمندیم؟

○ علوم قرآنی به‌عنوان یک رشته علمی (discipline)، قبلاً به‌طور مستقل وجود نداشت. معمولاً بحث‌های قرآنی به‌صورت عمومی مطرح شده‌اند و پیشینیان کاری به این نداشتند که از آن مباحث یک رشته مطالعاتی مستقل بسازند. برای آن‌ها فقط محتوا مهم بوده است. اگر بخواهیم مباحث مربوط به علوم قرآن را به یک رشته علمی تبدیل کنیم، باید تعریف، موضوع و مسائل علوم قرآنی

را مورد بررسی قرار دهیم و مثل سایر علوم، تعریف جامع و مانع برای آن ارائه دهیم.

● تعریف شما از علوم قرآنی چیست و چه مشترکاتی این علوم را با هم مرتبط می‌سازد؟

○ اصطلاح علوم قرآنی آن‌گونه که اکنون رایج است، با آن‌چه در سده‌های نخستین مصطلح بود، متفاوت است. علوم قرآنی در گذشته به مباحث تفسیری قرآن نیز اطلاق می‌شد، اما به‌تدریج کثرت و تنوع مباحث سبب شد، میان مباحث علوم قرآنی و علم تفسیر نوعی مرزبندی به‌وجود آید.

معاصرین نیز در تعریف علوم قرآنی ملاک‌های گوناگونی را مدنظر داشته‌اند. برخی از آن‌ها هر علمی را که به نوعی به قرآن کریم متعلق باشد، علوم قرآنی نامیده‌اند. برخی با ملاک قرار دادن «موضوع»، هر علمی را که از عوارض ذاتی و اختصاصی قرآن سخن گفته باشد، از علوم قرآنی برشمرده‌اند. عده‌ای دیگر نیز معیار مسئله را در نظر گرفته و هر علمی را که درباره مسائل قرآن بحث کند، از علوم قرآنی دانسته‌اند.

تعریفی که در کتاب متدولوژی علوم قرآنی ارائه شده است، با ملاک مدخلیت این علوم در فهم و تفسیر قرآن انجام شده است. بر این اساس «علوم قرآنی» به مجموعه‌ای از علوم اطلاق می‌شود که برای فهم و درک قرآن مجید به‌عنوان مقدمه فراگرفته می‌شوند. به‌عبارت دیگر، علوم قرآنی به‌طور کلی دانش‌هایی را شامل می‌شود که مباحث کلی شناخت قرآن را تبیین می‌کنند و پرسش‌های گوناگون متعلق به قرآن و چگونگی آن را پاسخ می‌دهند؛ به گونه‌ای که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان پیش‌نیاز تفسیر و شناخت قرآن نام برد.

● ملاک شما در کتاب «متدولوژی علوم قرآنی» برای رده‌بندی علوم قرآنی چیست و چگونه رده‌بندی را نظام بخشیده‌اید؟

○ رده‌بندی علوم قرآن سبب می‌شود شکل نظام‌یافته‌ای از علوم متفاوت قرآنی به‌دست آید و در نتیجه نمایی از روابط منطقی بین این علوم حاصل شود. هریک از نویسندگان علوم قرآنی، ملاک خاصی را برای تقسیم‌بندی و رده‌بندی علوم قرآنی در نظر گرفته‌اند. برخی این علوم را با ملاک موضوع، برخی با ملاک روش و برخی دیگر با ملاک برون قرآنی یا درون قرآنی بودن مباحث، تقسیم‌بندی می‌کنند.

به نظر این‌جانب، بهترین شیوه رده‌بندی علوم قرآنی، ملاک قرار دادن میزان کارایی هریک از این علوم در فهم و تفسیر قرآن است. بر این اساس، علمی که بیشترین کارآمدی را در فهم و تفسیر قرآن دارند، در رده‌های بالاتر و علمی که مدخلیت و کارآمدی کمتری در فهم و تفسیر

مطالعات قرآنی
از کثرت‌گرایی
روش شناختی
برخوردارند و به
مطالعات میان‌رشته‌ای
نیازمندند

قرآن دارند، در رده‌های پایین‌تر قرار می‌گیرند. این دیدگاه متکی به تعریفی از علوم قرآنی است که این علوم را مقدمه فهم و تفسیر قرآن می‌داند.

براساس این نظام رده‌بندی، علوم قرآن را می‌توان در چهار سطح به‌ترتیب زیر رده‌بندی کرد:

۱. علوم‌ی که مستقیماً به حوزه فهم و تفسیر قرآن مربوط می‌شوند.

۲. علوم‌ی که به حوزه ضبط و نقد متن قرآن مربوط می‌شوند.

۳. علوم‌ی که به اوصاف و حالات و رده‌بندی قرآن مربوط می‌شوند.

۴. مباحثی که ناظر بر شناخت ماهیت قرآن‌اند.

نتیجه این نوع رده‌بندی آن است که دامنه علوم قرآنی به علوم‌ی که پیشینیان گفته‌اند، محدود نخواهد بود. در آینده نیز هر علمی که به نوعی در خدمت فهم و تفسیر قرآن به‌کار رود، می‌توان آن را از علوم قرآنی به‌حساب آورد.

● **اهمیت مباحث روش‌شناسی در حوزه علوم قرآنی چیست و روش‌شناسی پیشنهادی شما کدام است؟**

○ تأثیر روش‌مندی در مطالعات دینی بر معرفت و شناخت انسان غیرقابل انکار است. روش‌شناسی به ما امکان می‌دهد تا از خلط مباحث و موضوعات جلوگیری کنیم و با ارجاع صحیح به منابع، در کوتاه‌ترین زمان ممکن به کشف حقیقت نایل شویم.

مطالعات اسلامی، به دلیل تنوع موضوع و وسعت و دامنه مباحث و پیچیدگی مسائل، از روش‌های بسیار متنوعی برخوردارند. برای مثال، مفسران در فهم آیات قرآن روش‌های گوناگونی دارند: گاه به تفسیر مأثور روی می‌آورند، زمانی به تفسیر ادبی توسل می‌جویند، گاه از روش‌های تحلیل ساختار متن بهره‌مند می‌شوند و گاه روش قرآن به قرآن را ملاک قرار می‌دهند. برخی نیز رویکرد هرمنوتیکی را اخذ می‌کنند. متکلمان مسلمان گاه به روش برهان روی می‌آورند و زمانی طریق جدل را در پیش می‌گیرند. گاه در برخی از مسائل به ابزارها و دلایل تاریخی توسل می‌جویند و در مواردی نیز به روش‌های درون‌دینی می‌پردازند. هم‌چنین، فقیهان برای تنقیح روش‌ها و ابزارهای لازم خود، دانش اصول فقه را تأسیس کرده‌اند.

به‌طور کلی باید گفت روش‌های تحقیق و شیوه‌های بحث و استدلال در علوم اسلامی متفاوت‌اند و علت این اختلاف روش به اختلاف در موضوع و مسائل، اهداف و بسترهای گسترش علم برمی‌گردد. علوم قرآنی نیز به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم علوم اسلامی، نیازمند روش‌شناسی خاصی است. اگر روش پژوهش در عرصه علوم قرآن روشن

نشود، دچار خطاها و اشکالات جدی می‌شویم. براین اساس باید معلوم شود که آیا روش پژوهش در علوم قرآنی از روش‌های درون‌دینی به‌دست می‌آید یا روش‌های برون‌دینی در حل مسئله کافی هستند، یا باید از هر دو روش بهره گرفت. به‌علاوه، به این سؤال اساسی نیز باید پاسخ داده شود که: «آیا علوم قرآنی همگی روش واحدی دارند یا با توجه به نوع مسئله، می‌توان از روش‌های متعدد استفاده کرد؟» باید گفت بخشی از مطالعات قرآنی و علوم مربوط به قرآن، از جمله برخی رویکردهای تفسیری مثل «تفسیر مأثور»، جزو مطالعات درونی دینی محسوب می‌شود. اما برخی دیگر از مطالعات قرآنی، از روش‌های سایر علوم بهره می‌برند. لذا می‌توان نتیجه گرفت مطالعات قرآنی از کثرت‌گرایی روش‌شناختی برخوردارند و به مطالعات میان‌رشته‌ای نیز نیازمندند.

به نظر این‌جانب، در علوم قرآنی می‌توان

از شیوه‌های گوناگون پژوهش استفاده کرد و لزومی ندارد خود را به شیوه واحدی در پژوهش محدود سازیم.

هم‌چنان‌که در برخی از علوم

اسلامی، مثل «علم کلام»، می‌توان

از روش‌های متفاوت پژوهشی بهره

برد، در علوم قرآنی نیز استفاده از

روش پژوهش ترکیبی از کارایی

لازم برخوردار است. بدین ترتیب،

علوم متفاوت مربوط به مطالعات

قرآنی، بسته به ماهیت هر یک از علوم،

از روش‌های تحقیق خاصی پیروی می‌کنند.

مثلاً در مفردات قرآن، روش‌های زبان‌شناختی

قدیم و جدید، در اعجاز قرآن روش کلامی، در علم

اسباب‌النزول روش تاریخی و روایی، و در بعضی مباحث ناظر

بر روابط آیات، مانند عام و خاص، می‌توان روش متخذ از

اصول فقه را به‌کار بست.

● **کتاب متدولوژی علوم قرآنی چه واکنش‌هایی را نزد**

صاحب‌نظران برانگیخته است؟

○ خوش‌بختانه کتاب متدولوژی علوم قرآنی بعد از انتشار

مورد توجه محافل علمی و قرآنی کشور قرار گرفت و

جلسات نقد و بررسی و معرفی‌های خوبی از آن در روزنامه‌ها

و مجلات به‌عمل آمد. هم‌چنین از طرف «خانه کتاب» در

ردیف کتاب‌های شایسته تقدیر فصل پائیز سال ۱۳۸۸ قرار

گرفت. در حال حاضر چاپ اول این کتاب تمام شده و

قرار است به همت دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم

آن با شمارگان بیشتر انجام پذیرد.

**کتاب متدولوژی علوم
قرآنی بعد از انتشار مورد
توجه محافل علمی و
قرآنی کشور قرار گرفت
و جلسات نقد و بررسی
و معرفی‌های خوبی از
آن در روزنامه‌ها و مجلات
به‌عمل آمد**